

The effect of laughter therapy on the fatigue and anxiety of mothers of children admitted to the psychiatric departments of Tehran Hospitals: an experimental study

Zeinab Allahyari¹, Mohammad Sahebalzamani², Ladan Fattah Moghaddam³

¹ MSc Student in Psychiatric Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Tehran Medical Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Professor of Education Management, Department of Management, Faculty of Health, Tehran Medical Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran

³ Department of Psychiatric Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Tehran Medical Sciences, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Background: Fatigue and anxiety have a bad effect on the physical and mental health of mothers and challenge the quality of child care and living conditions. This study was conducted aimed to investigate the effect of laughter therapy on the fatigue and anxiety of mothers of children admitted to the psychiatric department of Tehran Hospitals.

Materials and methods: An experimental study with pre-test and post-test design was performed on 70 (Two groups of 35 participants) mothers of children admitted to Ali Asgar and Razi hospitals. The intervention group participated in 8 laughter therapy group sessions with an average duration of 60 minutes. Demographic information questionnaires, Fatigue Assessment Scale (FAS) and State-Trait Anxiety Inventory (STAI) were used to collect data. Data analysis were done using SPSS software version 16.

Results: In the pre-test stage, there was no significant difference in the mean of fatigue and anxiety between the two groups ($p>0.05$). The comparison of fatigue and anxiety of the intervention group showed that a significant differences were observed in the mean of this variables and its dimensions after the intervention ($p<0.05$), while there was no such significant changes in the control group regarding fatigue and anxiety and their dimensions ($p<0.05$). By 0.741 and 0.735 changes of fatigue and anxiety variance are explained by the independent variable, respectively.

Conclusion: Laughter therapy is an effective intervention to reduce fatigue and anxiety in mothers of children hospitalized in psychiatric wards. Due to the low cost, lack of complications and the possibility of implementation; it is recommended to implement this intervention in similar conditions and other vulnerable people.

Keywords: *Laughter therapy, Fatigue, Anxiety, Mothers, Children, Psychiatric disorders.*

Cited as: Allahyari Z, Sahebalzamani M, Fattah Moghaddam L. The Effect of Laughter Therapy on the Fatigue and Anxiety of Mothers of Children Admitted to the Psychiatric Departments of Tehran Hospitals: An Experimental Study. Medical Science Journal of Islamic Azad University, Tehran Medical Branch 2023; 33(1): 59-69.

Correspondence to: Ladan Fattah Moghaddam

Tel: +989122.96785

E-mail: lfatah@iautmu.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-4963-6443

Received: 14 Aug 2022; **Accepted:** 4 Oct 2022

تاثیر خنده درمانی بر خستگی و اضطراب مادران کودکان بستری در بخش‌های روانپزشکی بیمارستان‌های شهر تهران: یک مطالعه تجربی

زینب اله یاری^۱، محمد صاحب‌الزمانی^۲، لادن فتاح مقدم^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، علوم پزشکی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ استاد مدیریت آموزشی، گروه مدیریت، دانشکده بهداشت، علوم پزشکی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۳ گروه روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، علوم پزشکی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: خستگی و اضطراب بر سلامت فیزیکی و روانی مادران تاثیر سوء دارد و کیفیت مراقبت از فرزند و شرایط زندگی را با چالش مواجه می‌نماید. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر خنده درمانی بر خستگی و اضطراب مادران کودکان بستری در بخش‌های روانپزشکی بیمارستان‌های شهر تهران انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون بر روی ۷۰ نفر (دو گروه ۳۵ نفری) از مادران کودکان بستری در بیمارستان‌های علی اصغر (ع) و رازی انجام شد. گروه مداخله در ۸ جلسه گروهی خنده‌درمانی با میانگین مدت زمان ۶۰ دقیقه شرکت کردند. از پرسشنامه‌های اطلاعات جمعیت‌شناختی، مقیاس ارزیابی خستگی (FAS) و سیاهه حالت- صفت خشم (STAI) برای جمع‌آوری داده استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نسخه ۱۶ نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها: در مرحله پیش‌آزمون میانگین خستگی و اضطراب در بین دو گروه اختلاف معنی‌داری نداشت ($p > 0.05$). مقایسه خستگی و اضطراب گروه مداخله نشان داد که تفاوت معنی‌داری در میانگین این متغیر و ابعاد آن بعد از مداخله مشاهده شد ($p < 0.05$) در حالی‌که چنین تغییر معنی‌داری در گروه کنترل در مورد خستگی و اضطراب و ابعاد آن‌ها وجود نداشت ($p > 0.05$). به ترتیب ۰/۷۴۱ و ۰/۷۳۵ تغییرات واریانس خستگی و اضطراب توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری: خنده‌درمانی یک مداخله اثربخش برای تخفیف علائم خستگی و اضطراب در مادران کودکان بستری در بخش‌های روانپزشکی است. با توجه به هزینه کم، فقدان عارضه و امکان اجرایی، اجرای این مداخله در شرایط مشابه و سایر افراد آسیب‌پذیر توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: خنده‌درمانی، خستگی، اضطراب، مادران، کودکان، بیماری‌های روانپزشکی.

مقدمه

و جسمی در کودکان می‌شود و بستری و اقامت در مراکز درمانی و نگهداری را اجتناب ناپذیر می‌نماید (۲). Erskine و همکارانش (۲۰۱۷) شیوع اختلالات روانپزشکی در بین کودکان و نوجوانان جهان را به میزان ۶/۷ درصد برآورد نمودند (۳). در ایران نیز این اختلالات در بین کودکان دارای شیوع قابل ملاحظه‌ای است. در مطالعه محمدی و همکارانش (۱۳۹۷)، شیوع اختلالات رفتاری در کودکان ایرانی به میزان ۲۳ درصد برآورد شد که در این میان بیشترین مقدار مربوط به کودکان استان همدان (۵۴/۷٪) بوده است (۴). علاوه بر این بررسی‌های صورت گرفته در استان

امروزه اختلالات روانپزشکی دارای شیوع بالایی بوده و منشاء سهم قابل ملاحظه‌ای از سال‌های عمر تعدیل شده با ناتوانی در جهان هستند (۱). این اختلالات سبب ایجاد ناتوانی‌های شناختی

آدرس نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی، گروه روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، لادن فتاح مقدم (email: lfatah@iautmu.ac.ir)
ORCID ID: 0000-0002-4963-6443
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۵/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۷/۱۲

روانشناسی مثبت نگر به صورت معنی‌داری امید و تاب آوری مادران را افزایش داده است (۱۹). همچنین در این راستا مطالعه میلان و نسیمی (۱۳۹۷) بر روی مادران دارای نوزاد نارس بستری در بیمارستان شهر جهرم نشان داد که حضور در برنامه آموزشی مراقبت خانواده محور می‌تواند اضطراب مادران را کاهش دهد (۲۰).

یافته‌های مطالعات فوق حاکی از تجربه موفق رویکردهای مختلف مداخله‌ای با هدف بهبود وضعیت روانشناختی در مادران کودکان مبتلا به بیماری بوده است. اغلب این رویکردها دارای ماهیت آموزشی و توانمندسازی هستند که می‌توانند سبب آرامش و شادی شوند (۲۲، ۲۳). یکی دیگر از این راهکارهای شایع برای بهبود وضعیت روانشناختی و کاهش تاثیر تنش‌های روانی، خندیدن و مداخلات خنده درمانی است (۲۴). یکی از رویکردهای کاربردی در حوزه خنده درمانی، خنده درمانی کاتاریا است که بکارگیرنده تکنیک یوگای خنده است. کاتاریا مبدع این روش اظهار می‌دارد که در یوگای خنده بدنبال ایجاد خنده بدون دلیل هستیم و در آن مداخله گر یا خنده درمانگر تلاشی برای خنداندن مخاطب از طریق لطیفه گوئی و یا کمدی انجام نمی‌دهد (۲۵).

پیامدهای مثبت فراوانی برای خندیدن اثبات شده است. از نظر فیزیولوژیک خندیدن ضمن کاهش هورمون‌های استرس در بدن به تقویت سیستم ایمنی هم کمک می‌کند (۲۶). همچنین از نظر روانشناختی، خنده به شخص کمک می‌کند تا تاب آوری مواجهه با مشکلات را داشته و در نتیجه رویارویی با مسائل زندگی تسهیل می‌گردد. شواهد علمی نشان دهنده اثربخش بودن خنده‌درمانی در زمینه بهبود سلامت افراد بوده است. در این راستا تحقیقات نقش خنده درمانی را در کنترل و بهبود بیش از ۷۰ درصد بیماری‌ها همچون بالا بودن فشار خون، بیماری‌های قلبی-عروقی، سرطان و افسردگی که به نوعی با استرس در ارتباط هستند، ثابت کرده است (۲۷). همچنین اثربخشی خنده درمانی در کاهش اضطراب، رفع خستگی و بهبود خلق و خو ثابت شده است (۲۸، ۲۹).

بر این اساس با توجه به شیوع قابل ملاحظه اختلالات روانشناختی در بین کودکان ایرانی، نیاز به بستری طولانی مدت این کودکان در بیمارستان روانپزشکی و پیامدهای جسمی و روانی ابتلاء و بستری کودک برای مادر، این مطالعه با هدف تعیین تاثیر خنده درمانی بر خستگی و اضطراب مادران کودکان بستری در بخش‌های روانپزشکی بیمارستان‌های شهر تهران در سال ۱۴۰۰ انجام شد.

کردستان (۱۳۹۷)، خراسان شمالی (۱۳۹۷) و مازندران (۱۳۹۸) شیوع کلی اختلالات روانپزشکی کودکان را به ترتیب به میزان ۳۳/۸، ۱۶/۳ و ۱۸ درصد برآورد کرده است (۵-۷).

ابتلاء فرزند به اختلال روانپزشکی سبب تهدید سلامت روان والدین می‌شود (۸). در کشور بنگلادش شیوع افسردگی (۴۴/۶) در مقابل ۸/۵ (درصد) و بروز رفتارهای مرتبط با خودکشی (۲۶/۶) در مقابل ۸/۵ (درصد) در مادران کودکان مبتلا به اوتیسم بیشتر از مادران کودکان عادی بوده است (۹). مرور نظام مند و متآنالیز انجام شده بر روی ۳۱ مطالعه دارای ۹۲۰۸ نمونه نشان داد که شیوع افسردگی و اضطراب در بین والدین مبتلایان به اوتیسم به ترتیب برابر با ۳۱ و ۳۳ درصد بوده است (۱۰). یکی دیگر از تهدیدکننده‌های سلامت روان والدین کودکان مبتلا به اختلالات روانپزشکی، الزام به بستری (معمولاً طولانی مدت) کودکان جهت دستیابی به تشخیص قطعی اختلالات روانپزشکی و اجرای مداخلات درمانی می‌باشد (۱۱، ۱۲). این شرایط زمینه ساز خستگی و اضطراب والدین و به ویژه مادران کودکان بستری در بیمارستان می‌شود که می‌تواند علاوه بر تهدید سلامت آن‌ها، بر کیفیت مراقبت از کودکان تاثیرگذار بوده و پیامدهای ناگواری بدنبال داشته باشد (۱۳). ترک منزل و حضور در محیط بیمارستان می‌تواند منبع استرس و اضطراب برای والدین باشد. دلیل این امر نیز مربوط به ترک مسئولیت‌های خانه، نگرانی نسبت به سایر فرزندان و همچنین چالش‌های مربوط به شغل و پیامدهای ترک شغل است (۱۴، ۱۵). یافته‌های مطالعه Lee & Lee (۲۰۲۰) بر روی مادران کودکان مبتلا به لوسمی بستری در بیمارستان نشان داد که منبع اضطراب مادران کودکان بستری می‌تواند ناشی از نگرانی در مورد مرگ کودک و همچنین احساسات مرتبط با مسئولیت و نقش مادر در قبال فرزند باشد (۱۶).

پیامدهای منفی ناشی از تنش‌های روانی برای والدین سبب شده است که در طول زمان مداخلات مختلف آموزشی و توانمندسازی با هدف بهبود وضعیت روانشناختی والدین کودکان مبتلا و به ویژه مادران کودکان بستری در بیمارستان پیشنهاد شده و تجارب بکارگیری متعددی در این زمینه وجود دارد (۱۷-۲۱). در مطالعه صورت گرفته توسط کنعانی و همکارانش (۱۳۹۴) بر روی مادران کودکان عقب مانده ذهنی در اصفهان یافته‌های بدست آمده نشان داد که برگزاری ۸ جلسه امید درمانی سبب بهبود وضعیت کیفیت زندگی، امید و بهزیستی روانشناختی در بین مادران گردید (۱۷). یافته‌های مطالعه رضازاده مقدم و همکارانش (۱۳۹۷) بر روی مادران دارای کودک کم‌توان ذهنی در شهر تهران نشان داد که مشارکت ۱۰ جلسه‌ای در آموزش مبتنی بر

مواد و روشها

این پژوهش تجربی با طرح پیش آزمون و پس آزمون و دارای گروه‌های مداخله و کنترل در طی بازه زمانی مهرماه الی اسفند ماه ۱۴۰۰ انجام شد. جامعه پژوهش شامل مادران کودکان بستری در بخش‌های روانپزشکی بیمارستان‌های شهر تهران (بیمارستان‌های روزبه، علی اصغر (ع)، رازی و امام حسین (ع)) بود. از بین این مراکز دو بیمارستان علی اصغر (ع) و رازی به صورت تصادفی (بر اساس قرعه کشی) جهت انجام مطالعه انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از فرمول زیر به تعداد ۳۰ نفر برای هر گروه تعیین گردید. در این راستا Z سطح اطمینان بوده که در این مطالعه ۹۵ درصد در نظر گرفته شد. α و β به ترتیب بیانگر خطای نوع یک و دو در سطح اطمینان مد نظر هستند و Δ توان آزمون را نشان می‌دهد (۳۰).

$$n = \frac{2 \left(Z_{1-\frac{\alpha}{2}} + Z_{1-\beta} \right)^2}{(\Delta)^2} + 1$$

$$n = \frac{2(1.96 + 0.84)^2}{(0.8)^2} + 1 = 30$$

با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه‌ها به میزان ۱۵ درصد، تعداد ۳۵ نفر برای هر گروه مدنظر قرار گرفت. برای تخصیص نمونه‌ها در ابتدا بیمارستان علی اصغر (ع) و رازی به صورت تصادفی ساده به ترتیب به عنوان محیط انتخاب نمونه‌های گروه مداخله و کنترل در نظر گرفته شد. انتخاب نمونه در هر بیمارستان از میان افراد واجد شرایطی که تمایل به مشارکت در مطالعه را داشتند به صورت تصادفی ساده صورت پذیرفت. در این مطالعه معیارهای ورود شامل تمایل به مشارکت در مطالعه، عدم دریافت درمان‌های روانپزشکی و عدم مشارکت در مداخلات روانشناختی در ۶ ماه اخیر بود. همچنین عدم تمایل به ادامه همکاری بعد از انتخاب، غیبت بیش از دو جلسه، بروز مشکلات و آسیب‌های جسمی و روانی شدید در حین مطالعه و یا مرگ مشارکت‌کننده، بروز مشکلات و آسیب‌های جسمی و روانی شدید در حین مطالعه برای فرزند مشارکت‌کننده و یا مرگ کودک وی و بروز مشکلات روحی و روانی شدید در حین مطالعه نظیر مرگ اعضای خانواده، بستگان نزدیک، طلاق و ... به عنوان معیار خروج از مطالعه لحاظ گردید.

بعد از انتخاب مشارکت‌کنندگان واجد شرایط و ارائه توضیحات کافی به آن‌ها، مرحله پیش آزمون برگزار شد. مداخله اجرا شده شامل ۸ جلسه گروهی خنده درمانی (هر جلسه به مدت ۶۰ دقیقه) بود که توسط محقق آموزش دیده و دارای گواهینامه رسمی ارائه گردید. جهت تسهیل اجرای مداخله و افزایش تاثیر

آن، مشارکت‌کنندگان به ۳ گروه (دو گروه ۱۲ نفره و ۱ گروه ۱۱ نفره) تقسیم شدند و برنامه زمانی اجرای مداخله برای آنها نهایی شد. مداخله در محل کلاس‌های آموزشی مراکز برگزار شد. به دلیل شرایط ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ و جهت رعایت فاصله گذاری اجتماعی، سعی گردید فضای آموزشی منتخب برای اجرای مداخله از نظر وسعت کافی باشد. بلافاصله بعد از اتمام آخرین جلسه مداخله در هر گروه، اقدام به برگزاری مرحله پس آزمون گردید و همچنین مرحله پس آزمون در نمونه‌های گروه کنترل نیز برگزار شد.

ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه ۳ قسمتی (اطلاعات جمعیت شناختی، مقیاس ارزیابی خستگی (Fatigue Assessment Scale) و سیاهه حالت- صفت اضطراب (The State-Trait Anxiety Inventory)) بود. مقیاس ارزیابی خستگی در سال ۲۰۰۳ توسط Michielsen و همکاران ارائه شده و دارای ۱۰ گویه در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (۱= هرگز، ۲= گاهی اوقات، ۳= به طور معمول، ۴= اغلب، ۵= همیشه) می‌باشد. از میان ۱۰ گویه موجود در مقیاس، ۵ مورد آن مربوط به خستگی جسمی و ۵ مورد دیگر مربوط به خستگی روانی می‌باشد. گویه‌های ۴ و ۱۰ این مقیاس به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. نمره بدست آمده از پرسشنامه بین ۱۰ الی ۵۰ قرار می‌گیرد به گونه‌ای که نمره بالاتر بیانگر خستگی بیشتر است (۳۱). در بررسی روانسنجی این ابزار توسط میشلسن و همکاران (۲۰۰۳)، همبستگی آن با ابزارهای دیگر سنجش خستگی حاکی از روایی آن بوده است و همچنین پایایی آن با محاسبه همسانی درونی به میزان ۰/۹۰ تایید شد (۳۱). در مطالعه Cano-Climent و همکاران (۲۰۱۷) روایی این مقیاس مورد تایید قرار گرفت و پایایی آن نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۰ مورد تایید قرار گرفت (۳۲). در ایران نیز یافته‌های مطالعه صورت گرفته توسط لوک زاده و همکاران (۲۰۱۸) نشان داده است که مقیاس ارزیابی خستگی از روایی قابل قبول برخوردار بوده و ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های مربوط به خستگی جسمی و روانی به ترتیب برابر با ۰/۹۴۵ و ۰/۸۹۶ بوده است که حاکی از پایایی ابزار می‌باشد (۳۳).

سیاهه حالت- صفت اضطراب برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ توسط Speilberger ارائه شده و سپس در سال ۱۹۸۳ نسخه تجدید نظر شده آن در ۴۰ گویه ارائه شد. ۴۰ گویه این ابزار در دو بخش حالت و صفت (هر کدام ۲۰ گویه) است که در طیف لیکرت چهار گزینه‌ای (۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= زیاد، ۴= خیلی زیاد) نمره گذاری می‌شود و نمره کلی در بازه ۴۰ الی ۱۶۰ قرار می‌گیرد و نمره بالاتر بیانگر اضطراب بیشتر است (۳۴). بررسی

شناختی و مقایسه آن‌ها در دو گروه مداخله و کنترل در جدول ۱ گزارش شده است.

هیچ یک از مادران دو گروه دارا بودن فرزند بیمار دیگر و همچنین لزوم مراقبت از فرد بیمار دیگری را گزارش نکرده و دو گروه از این نظر کاملاً مشابه بودند. نتایج آزمون کای دو (دقیق فیشر در صورت نیاز) نشان داد که دو گروه مداخله و کنترل از نظر متغیرهای جمعیت شناختی اختلاف معنی داری نداشتند و از نظر این متغیرها همگن بودند ($p > 0.05$).

میانگین و انحراف معیار متغیرهای خستگی و اضطراب در دو مرحله پیش و پس آزمون در گروه مداخله و کنترل در جدول ۲ نمایش داده شده است. میانگین کلی نمره خستگی مشارکت کنندگان گروه مداخله و کنترل در مرحله پیش آزمون به ترتیب برابر با ۳/۵۵ و ۳/۵۰ بوده است که از نظر آماری فاقد اختلاف معنی دار بود ($p = 0.533$). همچنین میانگین کلی نمره اضطراب در گروه مداخله در مرحله پیش آزمون برابر با ۲/۶۹ بود که در مقایسه با گروه کنترل (۲/۶۴) اختلاف معنی داری نداشت ($p = 0.078$). بین میانگین تمامی ابعاد خستگی و اضطراب دو گروه مداخله و کنترل نیز در مرحله پیش آزمون اختلاف معنی داری مشاهده نشد ($p > 0.05$). میانگین کلی نمره خستگی مشارکت کنندگان گروه مداخله و کنترل در مرحله پس آزمون به ترتیب برابر با ۲/۶۲ و ۳/۵۲ بوده است که از نظر آماری دارای اختلاف معنی دار بودند ($p < 0.001$). همچنین میانگین کلی اضطراب در گروه مداخله در مرحله پس آزمون برابر با ۲/۰۹ بود که در مقایسه با گروه کنترل (۲/۶۰) اختلاف معنی داری داشت ($p < 0.001$). بین میانگین تمامی ابعاد خستگی و اضطراب دو گروه مداخله و کنترل نیز در مرحله پس آزمون اختلاف معنی داری مشاهده شد ($p < 0.001$). در جدول ۳ وضعیت میانگین بدست آمده توسط افراد گروه مداخله و کنترل از نظر خستگی، اضطراب و ابعاد آن‌ها در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون به وسیله آزمون تی زوجی بصورت درون گروهی مقایسه شده است. یافته‌های ارائه شده نشان می‌دهد که در مرحله پس آزمون نسبت به مرحله پیش آزمون اختلاف معنی داری در گروه مداخله از نظر خستگی و ابعاد دوگانه آن وجود داشته است ($p < 0.001$). این در حالی است که در مرحله پس آزمون نسبت به مرحله پیش آزمون اختلاف

روانسنجی این ابزار در مطالعه انجام شده در کشور صربستان توسط Stojanovic و همکارانش (۲۰۲۰) نشان داد که سیاهه اضطراب اسپیلبرگر از روایی برخوردار بوده است و همچنین پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۵۸ تایید شده است (۳۵). در پژوهش حاضر نیز ابتدا ابزارهای پژوهش در اختیار ۲۰ نفر از افراد واجد شرایط قرار گرفت و سپس ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس ارزیابی خستگی و سیاهه حالت-صفت اضطراب به ترتیب به میزان ۰/۷۹۴ و ۰/۸۲۵ محاسبه شد.

برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش توصیفی از میانگین و انحراف معیار استفاده شد و در بخش استنباطی از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی وضعیت نرمالیت داده‌ها استفاده شد. بر اساس نتیجه به دست آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرها، از آزمون تی مستقل برای مقایسه گروه‌های مداخله و کنترل از نظر متغیرهای پژوهش و از آزمون تی زوجی برای مقایسه و تاثیر درون گروهی استفاده شد. همچنین از کای دو (و دقیق فیشر در صورت نیاز) برای مقایسه گروه‌های مداخله و کنترل از نظر متغیرهای دموگرافیک استفاده شد. در پایان از تحلیل کوواریانس برای سنجش تاثیر خنده درمانی بر روی خستگی و اضطراب مادران استفاده شد. جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ استفاده شد. کلیه الزامات قانونی این مطالعه در کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران با کد IR.IAU.TMU.REC.1400.201 مورد تایید قرار گرفته است. همچنین ضمن اخذ رضایت آگاهانه کتبی از کلیه مشارکت کنندگان؛ برخورداری از حق آزادی جهت ترک مطالعه، رازداری و محرمانگی اطلاعات و عدم سوگیری در جمع آوری، تحلیل و تفسیر نتایج به عنوان مسائل اخلاقی در تمامی مراحل مطالعه مدنظر قرار گرفت.

یافته‌ها

در مجموع اطلاعات دریافتی از ۷۰ نفر از مادران کودکان بستری در بخش‌های روانپزشکی در دو مقطع پیش آزمون و پس آزمون مورد بررسی قرار گرفت. میانگین سن مادران در گروه مداخله و کنترل به ترتیب برابر با ۳۶/۷۱ و ۳۷/۰ سال بود ($p > 0.05$). کودکان در گروه مداخله و کنترل به ترتیب دارای ۱۱/۲۵ و ۱۱/۰۲ سال سن بودند ($p > 0.05$) و همچنین میانگین مدت زمان طول اقامت کودکان گروه مداخله و کنترل به ترتیب به میزان ۲۴/۲۰ و ۲۲/۲۲ روز گزارش شد ($p > 0.05$). وضعیت متغیرهای جمعیت

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد مشارکت کنندگان بر اساس متغیرهای دموگرافیک

p-value	df	کنترل		مداخله		متغیر	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱/۰۰۰	۱	۹۷/۱	۳۴	۹۷/۱	۳۴	متاهل	وضعیت تاهل
		۲/۹	۱	۲/۹	۱	مطلقه/بیوه	
۰/۷۵۳	۳	۲۰/۰	۷	۱۴/۳	۵	زیر دیپلم و دیپلم	سطح تحصیلات
		۵۱/۴	۱۸	۴۵/۷	۱۶	فوق دیپلم	
		۲۰/۰	۷	۲۵/۷	۹	کارشناسی	وضعیت شغلی
		۸/۶	۳	۱۴/۳	۵	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۰/۶۷۵	۲	۶۸/۶	۲۴	۶۸/۶	۲۴	خانه دار	وضعیت شغلی
		۱۴/۳	۵	۸/۶	۳	کارمند	
		۱۷/۱	۶	۲۲/۸	۸	شغل آزاد	
۰/۶۳۲	۳	۱۱/۴	۴	۱۱/۴	۴	ضعیف	وضعیت اقتصادی خانوار
		۳۴/۴	۱۱	۴۰/۰	۱۴	متوسط	
		۴۸/۶	۱۷	۳۴/۳	۱۲	خوب	وضعیت بیمه
		۸/۶	۳	۱۴/۳	۵	عالی	
۰/۱۰۸	۵	۳۷/۱	۱۳	۱۷/۱	۶	تامین اجتماعی	وضعیت بیمه
		۲۵/۷	۹	۱۴/۳	۵	خدمات درمانی	
		۲۲/۹	۸	۲۵/۷	۹	همگانی سلامت	حمایت اطرافیان
		۵/۷	۲	۲۲/۹	۸	نیروهای مسلح	
		۵/۷	۲	۱۱/۴	۴	سایر بیمه ها	
		۲/۹	۱	۸/۶	۳	بدون بیمه	
۰/۸۰۶	۱	۳۷/۱	۱۳	۴۰/۰	۱۴	دارد	حمایت اطرافیان
		۶۲/۹	۲۲	۶۰/۰	۲۱	ندارد	
۰/۸۳۷	۳	۲/۹	۱	۲/۹	۱	۲	تعداد اعضای خانوار
		۶۵/۷	۲۳	۶۰/۰	۲۱	۳	
		۲۵/۷	۹	۳۴/۳	۱۲	۴	نوع اختلال
		۵/۷	۲	۲/۹	۱	۵ و بالاتر	
		۱۷/۱	۶	۱۷/۱	۶	اوتیسم	
۰/۷۹۹	۷	۲۵/۷	۹	۲۵/۷	۹	نقص توجه/ بیش فعالی	نوع اختلال
		۱۱/۴	۴	۵/۷	۲	افسردگی	
		۸/۶	۳	۱۷/۱	۶	اضطراب	
		۸/۶	۳	۵/۷	۲	خودکشی	
		۱۴/۳	۵	۵/۷	۲	دوقطبی	
		۸/۶	۳	۱۱/۴	۴	اسکیزوفرنی	
		۵/۷	۲	۱۱/۴	۴	سایر	

در جدول ۴ نتایج تحلیل کوواریانس برای تعیین اثربخشی خنده درمانی در زمینه خستگی و اضطراب مادران کودکان بستری در بخش‌های روانپزشکی بیمارستان‌های شهر تهران ارائه شده است. نتایج آزمون لوین نشان دهنده عدم معنی‌داری نتایج آزمون بود ($p > 0/05$)، بر این اساس شرط برابری واریانس‌های بین گروهی رعایت شده و بنابراین آزمون تحلیل کوواریانس

معنی‌داری در گروه کنترل از نظر خستگی و ابعاد آن وجود نداشته است ($p > 0/05$). همچنین میانگین نمره کلی اضطراب و ابعاد آن در گروه مداخله در مرحله پس آزمون نسبت به مرحله پیش آزمون کاهش معنی‌داری داشت ($p < 0/001$)، با این حال چنین تغییر معنی‌داری در مورد گروه کنترل مشاهده نشد ($p > 0/05$).

جدول ۲. وضعیت خستگی و اضطراب مادران در مراحل پیش آزمون و پس آزمون در گروه های مداخله و کنترل

p-value	t	گروه کنترل		گروه مداخله		مقطع	متغیر
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
۰/۱۷۰	-۱/۳۸۷	۰/۴۵	۳/۴۸	۰/۴۴	۳/۶۳	۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳	خستگی فیزیکی
۰/۶۶۶	۰/۴۳۴	۰/۳۹	۳/۵۲	۰/۵۸	۳/۴۶		خستگی روانی
۰/۵۳۳	-۰/۶۲۷	۰/۳۲	۳/۵۰	۰/۳۲	۳/۵۵		مجموع خستگی
۰/۳۱۷	-۱/۰۰۷	۰/۲۲	۲/۶۴	۰/۱۸	۲/۶۹		حالت اضطراب
۰/۱۴۰	-۱/۴۹۳	۰/۱۷	۲/۶۳	۰/۱۶	۲/۶۹		صفت اضطراب
۰/۰۷۸	-۱/۷۸۸	۰/۱۳	۲/۶۴	۰/۱۲	۲/۶۹		مجموع اضطراب
<۰/۰۰۱	۶/۷۹۴	۰/۳۵	۳/۴۹	۰/۴۱	۲/۸۶		خستگی فیزیکی
<۰/۰۰۱	۰/۹۲۰	۰/۴۲	۳/۵۸	۰/۳۳	۲/۵۸		خستگی روانی
<۰/۰۰۱	۱۳/۳۷۰	۰/۲۹	۳/۵۲	۰/۲۶	۲/۶۲		مجموع خستگی
<۰/۰۰۱	۱۱/۶۲۴	۰/۲۵	۲/۶۳	۰/۱۳	۲/۰۷		حالت اضطراب
<۰/۰۰۱	۹/۳۱۰	۰/۲۲	۲/۵۷	۰/۱۷	۲/۱۲	صفت اضطراب	
<۰/۰۰۱	۱۳/۵۶۴	۰/۱۸	۲/۶۰	۰/۱۱	۲/۰۹	مجموع اضطراب	

جدول ۳. نتایج آزمون تی زوجی برای مقایسه درون گروهی میانگین خستگی و اضطراب در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون

مقدار p	t	مداخله		مقدار p	t	متغیر
		کنترل	مداخله			
۰/۸۷۲	-۰/۱۶۲	<۰/۰۰۱	۸/۱۴۴	<۰/۰۰۱	۸/۱۴۴	خستگی فیزیکی
۰/۴۵۵	-۰/۷۵۶	<۰/۰۰۱	۸/۰۶۸	<۰/۰۰۱	۸/۰۶۸	خستگی روانی
۰/۷۰۷	-۰/۳۷۸	<۰/۰۰۱	۱۴/۰۱۲	<۰/۰۰۱	۱۴/۰۱۲	مجموع خستگی
۰/۷۴۳	۰/۳۳۰	<۰/۰۰۱	۱۳/۷۶۷	<۰/۰۰۱	۱۳/۷۶۷	حالت اضطراب
۰/۱۸۹	۱/۳۴۱	<۰/۰۰۱	۱۵/۵۸۹	<۰/۰۰۱	۱۵/۵۸۹	صفت اضطراب
۰/۲۴۷	۱/۱۷۸	<۰/۰۰۱	۲۰/۱۳۰	<۰/۰۰۱	۲۰/۱۳۰	مجموع اضطراب

جدول ۴. تحلیل کوواریانس برای تعیین اثربخشی خنده درمانی بر خستگی و اضطراب

Effect size	p-value	F	Mean squares	df	Sum of squares	شاخص منبع تغییرات
۰/۷۴۱	<۰/۰۰۱	۹۵/۶۱۶	۷/۱۹۹	۲	۱۴/۳۹۹	پیش آزمون (خستگی)
-	-	-	۰/۰۷۵	۶۷	۵/۰۴۵	خطا
۰/۷۳۵	<۰/۰۰۱	۹۲/۸۳۸	۲/۲۱۴	۲	۴/۴۲۸	پیش آزمون (اضطراب)
-	-	-	۰/۰۲۴	۶۷	۱/۵۹۸	خطا

بحث

در این مطالعه تاثیر خنده درمانی بر خستگی و اضطراب مادران کودکان بستری در بخش های روانپزشکی بیمارستان های علی اصغر (ع) و رازی در سال ۱۴۰۰ بررسی شد. در این راستا یافته های پژوهش نشان داد که میانگین نمره کلی خستگی در بین مشارکت کنندگان گروه مداخله و کنترل در مرحله پیش آزمون در سطح متوسط به بالا قرار داشت. ابتلاء فرزند به بیماری روانپزشکی و حضور در بیمارستان (به دلیل نیاز به بستری) والدین را با تنش های

قابل اجرا است. مداخله خنده درمانی در زمینه کاهش خستگی مادران اثربخش بود ($p < 0/001$). اندازه اثر برای خستگی برابر با ۰/۷۴۱ بود که نشان می دهد تقریباً ۷۴ درصد تغییرات واریانس خستگی ناشی از متغیر مستقل (مداخله خنده درمانی) بود. همچنین مداخله خنده درمانی در زمینه کاهش اضطراب مادران اثربخش بود ($p < 0/001$). اندازه اثر برای اضطراب برابر با ۰/۷۳۵ بود که نشان می دهد تقریباً ۷۳ درصد تغییرات واریانس اضطراب ناشی از متغیر مستقل (مداخله خنده درمانی) است.

مادران فراهم نمایند که منشاء اضطراب در وی است (۴۱، ۴۲). همچنین احساس گناه مادر از تولد فرزند دارای مشکل و پنداشت و قبول مسئولیت در این زمینه می‌تواند منبع تنش روانی و اضطراب ناشی از آن باشد (۳۹).

اضطراب مادران علاوه بر پیامدهای منفی بر روی سلامت روان آنان می‌تواند کیفیت مراقبت‌های ارائه شده توسط مادران را نیز با چالش مواجه کند و از طریق تضعیف سلامت و روابط بین فردی زمینه‌ساز چالش‌های مختلفی در زندگی خانوادگی و اجتماعی می‌شود (۴۳). در این راستا مطالعه‌ای توسط Akdam & Yarar (۲۰۲۱) بر روی مادران کودکان مبتلاء به ناتوانی در ترکیه نشان داد که ناتوانی فرزند یک عامل مستعد کننده برای بروز مشکلات در زندگی فردی و اجتماعی مادران بوده و می‌تواند موجب بروز افسردگی و اضطراب شود (۴۴). علاوه بر احساس گناه و پنداشت مادران از موقعیت تهدید آمیز، بار مراقبتی فرزندان مبتلاء به بیماری نیز می‌تواند دلیل عمده چالش‌های جسمی و روانی باشد. در این راستا مطالعه ای توسط Albayrak و همکاران (۲۰۱۹) در کشور ترکیه بر روی مادران دارای کودک مبتلاء به فلج مغزی و مادران دارای کودک با وضعیت سلامت طبیعی انجام شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که وضعیت درد، افسردگی، کیفیت خواب، خستگی و کیفیت زندگی مادران دارای کودکان مبتلاء به فلج مغزی به مراتب بدتر از مادران دارای کودکان با وضعیت سلامت طبیعی بود (۴۵).

یافته‌های به دست آمده بعد از اجرای خنده درمانی نشان داد که اجرای این مداخله سبب تخفیف علائم خستگی و اضطراب در مادران کودکان بستری در بخش‌های روانپزشکی می‌شود. در زمینه تخفیف پیامدهای جسمی و روانی مادران کودکان مبتلاء به بیماری مطالعات مختلفی انجام شده است که حاکی از امکان بهره‌گیری از مداخلات در این حوزه و همچنین تأیید اثربخشی مداخلات است. در این راستا مطالعه روا در سال ۲۰۲۱ در شهر سمنان نشان دهنده اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در زمینه افزایش سرمایه روانشناختی در مادران کودکان مبتلاء به اوتیسم بود (۴۶). در این راستا همچنین مطالعه عظیمی راویز و همکارانش در سال ۱۳۹۸ در شهر کرمان نشان دهنده اثربخشی گروه درمانی شناختی- رفتاری در زمینه کاهش اضطراب اجتماعی مادران دارای فرزند مبتلاء به اختلال کاستی توجه- فزون کنشی بود (۴۷) که از حیث کاهش و تخفیف علائم و پیامدهای منفی ابتلاء کودکان بر روی مادران در نتیجه مداخلات روانشناختی، همراستا با یافته‌های پژوهش حاضر است.

روانی متعددی مواجه می‌نماید که با عوارض جسمی و ذهنی نظیر خستگی بروز می‌یابد (۳۶) که در بین مراقبین از بیماران به ویژه والدین مبتلایان افزایش می‌یابد (۳۷). در بین والدین نیز به دلیل تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های ذاتی مادران و همچنین تفاوت در نقش‌ها و میزان درگیر بودن مادران با کودکان مبتلاء، تأثیرپذیری آنان بیشتر از پدران است. در این راستا مطالعه De Souza و همکارانش (۲۰۱۸) در برزیل نشان داد که میانگین خستگی در بین پدران و مادران کودکان مبتلاء به سندرم مادرزادی ویروس زیکا به ترتیب برابر با ۲/۳۱ و ۲/۶۴ بود که حاکی از آسیب‌پذیری بیشتر مادران است (۳۸). در زمینه مکانیسم ایجاد خستگی در مادران کودکان مبتلاء به بیماری، سناریوهای مختلفی بررسی و تأیید شده است که در اغلب موارد خستگی را منتج از نیازهای جسمانی و صرف انرژی برای مراقبت و همچنین تنش‌های روانی ناشی از تفکر در زمینه پیامدهای بیماری فرزند و همچنین نقش والدین و به ویژه مادران در بروز این شرایط، دانسته‌اند. در این راستا افسری و همکارانش (۱۳۹۹) با بررسی مادران کودکان مبتلاء به سرطان به این نتیجه رسیدند که تنش‌های روانی و خستگی ناشی از آن در وهله اول ناشی از احساس گناه مادران به دلیل ابتلاء فرزند به بیماری است (۳۹). در زمینه منشاء خستگی در مادران کودکان مبتلاء به بیماری همچنین مطالعه‌ای توسط صالحی و همکارانش (۱۴۰۰) در زمینه تجارب زیسته مادران دارای کودک مبتلاء به ناتوانی‌های جسمی و ذهنی انجام شده است که به وضوح پیامدهای فردی و اجتماعی ابتلاء فرزند به ناتوانی‌های جسمی و ذهنی را نشان می‌دهد که سبب تجارب رنج‌آور و دغدغه‌های روانی- اجتماعی برای مادران می‌شود که ممکن است به صورت خستگی جسمی و روانی بروز یابد (۴۰).

یکی دیگر از متغیرهای مورد بررسی در این مطالعه اضطراب بود که یافته‌های مطالعه در مرحله پیش‌آزمون حاکی از میانگین بالاتر از متوسط این متغیر در گروه‌های مداخله و کنترل است. ابتلاء فرزند و بستری وی در بیمارستان از جهات مختلف می‌تواند به عنوان یک موقعیت تهدید آمیز تلقی شود: اولاً ابتلاء فرزند به بیماری روانپزشکی نگرانی‌های عمده‌ای در زمینه بقاء و آینده فرزند را به دنبال دارد، دوماً حضور در بیمارستان و عدم امکان رسیدگی به سایر امورات و نقش‌ها سبب ایجاد نگرانی می‌شود و ممکن است با تهدید مالی و همچنین از دست دادن شغل همراه باشد. در کنار این شرایط چالش‌های اجتماعی و اقتصادی مرتبط با ابتلاء فرزند به بیماری نیز می‌تواند مجموعه‌ای از شرایط تهدید آمیز را برای

شرایط می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم کیفیت مراقبت از فرزند را با چالش مواجه کند، روابط مادر و فرزند را مخدوش کند و با تاثیر بر سایر جنبه‌های زندگی خانوادگی و اجتماعی فرد، پیامدهای ناگواری برای وی به همراه داشته باشد که در صورت تداوم زمینه ساز تشدید عوارض جسمی و روانی خواهد بود. در این راستا در این مطالعه از مداخله خنده درمانی برای بهبود وضعیت مادران استفاده شد که یافته‌های به دست آمده حاکی از این بود که خنده‌درمانی مداخله اثربخشی برای تخفیف علایم خستگی و اضطراب در مادران کودکان بستری در بخش‌های روانپزشکی است. با توجه به هزینه کم، فقدان عارضه و امکان اجرایی؛ اجرای این مداخله در شرایط مشابه و سایر افراد آسیب‌پذیر توصیه می‌شود.

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران است و لذا نویسندگان از تمامی مسئولین آن دانشگاه نهایت تشکر و قدردانی را دارند. همچنین از مسئولین بیمارستان‌های علی اصغر (ع) و رازی به جهت تسهیل در اجرای مطالعه و از تمامی مشارکت کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌گردد.

در زمینه تاثیر خنده درمانی بر وضعیت مولفه‌های روانشناختی مطالعه‌ای توسط صالحوند و همکاران (۲۰۱۸) در یک مجتمع پتروشیمی انجام شد که حاکی از اثربخشی مداخله خنده درمانی بود (۴۸) و از این حیث با یافته‌های مطالعه حاضر همخوانی دارد. خنده درمانی از طریق زدودن افکار منفی و پیامدهای منفی ناشی از تنش‌های جسمی و روانی می‌تواند زمینه را برای بهبود سلامت روان فراهم کند (۴۹). همچنین در زمینه تاثیر خنده درمانی بر اضطراب مطالعه ای توسط Park و همکاران در سال ۲۰۱۹ در کشور ژاپن انجام شده است و نتایج آن نشان دهنده اثربخشی خنده درمانی در زمینه تخفیف اضطراب بود و بر این اساس خنده درمانی به عنوان یک مداخله پرستاری موثر برای بهبود وضعیت سلامت بیماران مبتلاء به سرطان دستگاه گوارش توصیه شده است (۵۰). در این راستا همچنین یافته‌های یک مطالعه مرور نظام مند و متاآنالیز توسط Dogan (۲۰۲۰) نشان داد که خنده درمانی یک مداخله موثر برای کاهش اضطراب است (۲۸).

از یافته‌های این مطالعه نتیجه گیری می‌شود که در مرحله پیش آزمون میانگین نمرات خستگی و اضطراب مادران در سطح متوسط به بالا است. خستگی و اضطراب مادران کودکان مبتلا تحت تاثیر شرایط ناشی از بیماری فرزند، حضور در بیمارستان و چالش‌های جسمی و روانی ناشی از آن است. این

REFERENCES

1. Baranne ML, Falissard B. Global burden of mental disorders among children aged 5–14 years. *Child Adolesc Psychiatry Ment Health* 2018;12:1-9.
2. Llanes-Álvarez C, Andrés-de Llano JM, Álvarez-Navares AI, Pastor-Hidalgo MT, Roncero C, Franco-Martín MA. Trends in Psychiatric Hospitalization of Children and Adolescents in Spain between 2005 and 2015. *J Clin Med* 2019;8:2111.
3. Erskine HE, Baxter A, Patton G, Moffitt T, Patel V, Whiteford H, et al. The global coverage of prevalence data for mental disorders in children and adolescents. *Epidemiol psychiatr Sci* 2017;26:395-402.
4. Mohammadi M, Raiegani V, Akbar A, Jalali R, Ghobadi A, Abbasi P. Prevalence of behavioral disorders in Iranian children. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences* 2019;28:181-91. [In Persian]
5. Mohammadzadeh S, Mohammadi MR, Ahmadi N, Hooshiyari Z, Tahazadeh S, Yousefi F, et al. Epidemiology of psychiatric disorders in children and adolescents between 6 and 18 years of age in Kurdistan Province in 2016. *Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences* 2018;23:115-27. [In Persian]
6. Haghbin A, Mohammadi M, Ahmadi N, Khaleghi A, Golmakani H, Kaviyani F, et al. Prevalence of Psychiatric disorders in children and adolescents of North Khorasan province, Iran. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences* 2018;10:117-27. [In Persian]
7. Nasiri M, Ahmadi N, Alavi S, Rezazade H, Naderi H, Hosseini S. The epidemiology of psychiatric disorders in children and adolescents in Mazandaran province. *Journal of Babol University of Medical Sciences* 2019;21:314-9. [In Persian]
8. Jozestani K. A comparative study of categories of positive psychology in parents of autistic versus normal children. *J Pediatr Nurs* 2015;2:30-40. [In Persian]
9. Jahan S, Araf K, Gozal D, Griffiths M, Mamun MA. Depression and suicidal behaviors among Bangladeshi mothers of children with Autistic Spectrum Disorder: a comparative study. *Asian J psychiatry* 2020; 51:101994.

10. Schnabel A, Youssef GJ, Hallford DJ, Hartley EJ, McGillivray JA, Stewart M, et al. Psychopathology in parents of children with autism spectrum disorder: A systematic review and meta-analysis of prevalence. *Autism* 2020;24:26-40.
11. Wang E, Dame LD. Hospitalization of Mental Disorders in Saint Louis County: "Where You Live Matters". *Online J Public Health Inform* 2018;10:e133.
12. Liu SY, Lim S. Collective Trauma and Mental Health Hospitalization Rates among Children in New York State, 1999–2013: Age, Period, and Cohort Effects. *J Trauma Stress* 2020;33:824-34.
13. Jackson JL, Korth CX, Leslie CE, Cotto J, Mah ML, Hor K, et al. Health-Related Quality of Life and Emotional Distress Among Mothers of Sons With Muscular Dystrophy as Compared to Sex-and Age Group–Matched Controls. *J Child Neurol* 2021;36:177-85.
14. Toulgui E, Jemni S, Samia F, Lazreg N, Mtaouaa S, Khachnaoui F. Depression and anxiety in mothers of children with cerebral palsy: Comparative study. *Ann Physic Rehabil Med* 2016;59:e9.
15. Hashemi SB, Amirfakhraei A, Mosallanezhad M, Amiri A. The effect of education on anxiety and self-efficacy in mothers of 1-3-year-old children under cochlear implant surgery, 2018: a randomized controlled clinical trial. *Revista Latinoamericana de Hipertensión* 2019;14:8-14.
16. Lee D, Lee S. Clinging to My Child: Mothers' Experiences Taking Care of a Child Hospitalized with Leukemia. *Clin Nurs Res* 2021;30:415-22.
17. Soleimani M, Arman Panah A. Examining the effect of hope therapy on the improvement of life quality, hope and psychological well-being in mothers of mentally retarded children. *Journal of Pediatric Nursing* 2015;1:34-47. [In Persian]
18. Bazrafshan A, Hojati H. The effect of ROY adaptation theory on the resilience of mothers of children with intellectual disability in GonbadKavos city in 2017. *JPEN*. 2019;5:1-7. [In Persian]
19. Reza Zadeh S, Khodabakhshi-Koolae A, Hamidy Pour R, Sanagoo A. Effectiveness of Positive Psychology on Hope and Resilience in Mothers with Mentally Retarded Children. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing* 2018;6:32-8. [In Persian]
20. Milan M, Nasimi F. The effect of family-centered care educational program on performance of mothers of premature infants hospitalized in neonatal intensive care unit. *Iran J Pediatr Nurs* 2018;5:38-43. [In Persian]
21. Manzoomeh S, Akbari B. The effectiveness of relaxation techniques training on mental health indicators and and resilience of mothers of children with leukemia. *Avicenna Journal of Nursing and Midwifery Care* 2019;27:198-207. [In Persian]
22. Bekhet AK. Positive thinking training intervention for caregivers of persons with autism: establishing fidelity. *Arch Psychiatr Nurs* 2017;31:306-10.
23. Douki HE, Elyasi F, Hasanzadeh R. Effectiveness of positive thinking training on anxiety, depression and quality of life of mothers of children with leukemia. *J Nurs Midwifery Sci* 2019;6:21.
24. Sabori Z, Khayatan F, Ghanavat M. The Effect of Kataria Laughter Training (Laughter Yoga) on Hopelessness and Loneliness in Children with Leukemia. *Quarterly Journal of Child Mental Health* 2019;5:182-93. [In Persian]
25. Kataria M, ed. *Laugh for no reason*. New Delhi: Madhuri International; 2002.
26. Noureldein MH, Eid AA. Homeostatic effect of laughter on diabetic cardiovascular complications: The myth turned to fact. *Diab Res Clin Pract* 2018;135:111-19.
27. Alici NK, Dönmez AA. A systematic review of the effect of laughter yoga on physical function and psychosocial outcomes in older adults. *Complement Ther Clin Pract* 2020;41:101252.
28. Dogan MD. The effect of laughter therapy on anxiety: a meta-analysis. *Holistic Nurs Pract* 2020;34:35-39.
29. Rad M, Borzoe F, Mohebbi M. The effect of humor therapy on fatigue severity and quality of life in breast cancer patients undergoing external radiation therapy. *J Adv Med Biomed Res* 2016;24:102-14.
30. Batistatou E, Roberts C, Roberts S. Sample size and power calculations for trials and quasi-experimental studies with clustering. *Stata J* 2014;14:159-75.
31. Michielsen HJ, De Vries J, Van Heck GL. Psychometric qualities of a brief self-rated fatigue measure: The Fatigue Assessment Scale. *J Psychosomat Res* 2003;54:345-52.
32. Cano-Climent A, Oliver-Roig A, Cabrero-García J, de Vries J, Richart-Martínez M. The Spanish version of the Fatigue Assessment Scale: Reliability and validity assessment in postpartum women. *PeerJ* 2017;5:e3832.

33. Lookzadeh S, Kiani A, Taghavi K, Kianersi S, Emami H, Mirenayat M, et al. Evaluation of the reliability and validity of the Persian version of the fatigue assessment scale in Iranian sarcoidosis patients. *Open Access Maced J Med Sci* 2018;6:1310.
34. Spielberger CD, Vagg PR. Psychometric properties of the STAI: a reply to Ramanaiah, Franzen, and Schill. *J Pers Assess* 1984;48:95-7.
35. Stojanović NM, Randelović PJ, Nikolić G, Stojiljković N, Ilić S, Stoilković B, et al. Reliability and validity of the Spielberger's State-Trait Anxiety Inventory (STAI) in Serbian university student and psychiatric non-psychotic outpatient populations. *Acta facultatis medicae Naissensis* 2020;37:149-59.
36. Zhang Y, Ding X, Gu N. Understanding fatigue and its impact in crowdsourcing. 2018 IEEE, 22nd International Conference on Computer Supported Cooperative Work in Design; Nanjing, China; 2018.
37. Osaki T, Morikawa T, Kajita H, Kobayashi N, Kondo K, Maeda K. Caregiver burden and fatigue in caregivers of people with dementia: Measuring human herpesvirus (HHV)-6 and-7 DNA levels in saliva. *Arch Gerontol Geriatr* 2016;66:42-8.
38. de Souza LEC, de Lima TJS, Ribeiro EM, Pessoa ALS, Figueiredo TC, Lima LBP. Mental health of parents of children with congenital Zika virus syndrome in Brazil. *J Child Fam Stud* 2018;27:1207-15.
39. Afsari S, Zahraei S, Khodabakhsh Pirkalani R. Prediction of Chronic Fatigue Syndrome in mothers of children with cancer based on empathy and experienced guilt. *Empowering Exceptional Children*. 2020;11:17-27. [In Persian]
40. Salehi K, Keshavarz Afshar H, Alibakhshi H, Shahmoradi S, Mirshoja M. The Lived Experiences of Mothers of Children with Physical and Mental Disabilities: A Meta-Synthesis Study. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences* 2022;20:1371-84. [In Persian]
41. Kolemen AB, Akyuz E, Toprak A, Deveci E, Yesil G. Evaluation of the parents' anxiety levels before and after the diagnosis of their child with a rare genetic disease: the necessity of psychological support. *Orphanet J Rare Dis* 2021;16:1-8.
42. Kuper H, Lopes Moreira ME, Barreto de Araújo TV, Valongueiro S, Fernandes S, Pinto M, et al. The association of depression, anxiety, and stress with caring for a child with Congenital Zika Syndrome in Brazil; Results of a cross-sectional study. *PLoS Negl Trop Dis* 2019;13:e0007768.
43. Senses Dinc G, Cop E, Tos T, Sari E, Senel S. Mothers of 0-3 year old children with Down syndrome: Effects on quality of life. *Pediatr Int* 2019;61:865-71.
44. Yazar F, Akdam M, Çarpan İ, Topal S, Şenol H, Tekin F. Impact of having a disabled child on mothers' anxiety, depression and quality of life levels. *Pamukkale Tıp Dergisi* 2021;14:223-32.
45. Albayrak I, Biber A, Çalışkan A, Levendoglu F. Assessment of pain, care burden, depression level, sleep quality, fatigue and quality of life in the mothers of children with cerebral palsy. *J Child Health Care* 2019;23:483-94.
46. Rava N. Effectiveness of Acceptance and Commitment Based Therapy on Psychological Capital in Mothers of Children with Autism Spectrum Disorders. *J Human Relat Stud* 2021;1:16-22.
47. Azimi Raviz F, Gator Z, Tavakoli MB, Pour Kaveh S, Sharifi J, Habibi M. The effect of cognitive-behavioral therapy on social anxiety mothers of children with attention-deficit hyperactivity disorder. *Family Pathology, Counseling and Enrichment* 2020;5:45-60. [In Persian]
48. Salehvand S, Sahebalzamani M, Fatah Moghadam L. The Effect of Kataria Laughter Therapy on Anger and Resilience of Employees: A Semi-Experimental Study in a Petrochemical Complex. *Jundishapur Scientific Medical Journal* 2018;17:427-37.
49. Ko Y, Lee E-s, Park S. Effects of laughter therapy on the stress response of married immigrant women in South Korea: A randomized controlled trial. *Health Care Women Int* 2022;43:518-31.
50. Park S, Lee Y, Chung HH, Choi-Kwon S. Effects of a laughter therapy on depression, anxiety, fatigue and quality of sleep in gastrointestinal cancer patients post-treatment: a randomized controlled trial. *J Korean Biol Nurs Sci* 2019;21:188-98.